انعکاس مفاهیم نماز در قالیچه‌های محرابی صفویه و قاجاریه□

□□ انیس تنهایی
□□□ رضوان خزایی

چکیده:
نماز پاک‌ترین تسبیح آفرینش و نشانه پرستش و طاعت معبود است. حالتی از تواضع و خضوع و تسلیم که وجود آدمی را جز به ایستادن در برابر پروردگار خویش آرام نمی‌سازد. نماز ستون دین است و برگزاری هرچه باشکوه‌تر این مراسم الهی از دغدغه‌های فرد مسلمان است. پاک و مباه بودن مکان نماز و دور بودن از هر گونه ظواهر دنیوی و چهره‌های انسانی در سجده‌گاه مسلمین، زمینه‌ای مناسب برای هنرمندان و بافندگان هنر قالی ایرانی محیا نموده است تا جلوه‌ای زیبا از ارتباط معنوی بنده با پروردگار خویش را در قالی‌هایی به نام «سجاده‌ای» بروز نمایند. این دسته از قالی‌های ایرانی، علاوه بر نقش محراب برگرفته از محراب مساجد، دارای نقوشی چون قندیل، سرو، سرستون و گل و بوته بوده که در مواردی با عبارات مذهبی و آیات قرآنی و خطوط کوفی، نسخ و ثلث تزیین شده که هر کدام به نوعی انعکاسی از مفاهیم و تفاسیر دینی و مذهبی در خصوص نماز هستند. در این مقاله سعی بر آن است تا با اشاره بر جایگاه و مرتبه نماز در دین اسلام، مفاهیم به کار رفته در قالی‌های ایرانی و ارتباط آن ها با جایگاه ارزشمند نماز مورد بررسی قرار گیرد.

اهداف مقاله:
۱- آشنایی با مفاهیم و معانی عرفانی عبارات و نقوش قالی‌های سجاده ای صفویه و قاجاریه
۲- بررسی مضامین دینی، عرفانی و فلسفی به کار رفته در قالی‌های سجاده ای صفویه و قاجاریه

□ تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۳/۱۰
□ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۱۰/۱۵

سئوالات مقاله:
۱- مضامین دینی به کار رفته در طراحی نقوش قالی‌های سجاده‌ای دوران مورد بحث کدام است؟
۲- چه ارتباطی میان نقوش و عبارات نقش شده در قالی‌های سجاده‌ای با مفاهیم و معانی عرفانی و فلسفی نماز وجود دارد؟
۳- آیا به جز طرح سجاده‌ای محرابی، نقوش و طرح‌های دیگری مرتبط با نماز و مضامین مذهبی در قالی‌های ایرانی دوران صفویه و قاجاریه دیده می‌شود؟

واژگان کلیدی:
مفاهیم عرفانی و فلسفی نماز، محراب، قالی‌های طرح محرابی، عبارات مذهبی، دوران صفویه و قاجاریه

□□ پژوهشگرهنر و معماری اسلامی، مرکز تحقیقات هنر اسلامی نگاره
□□□ پژوهشگر هنر ایرانی - اسلامی، مرکز تحقیقات هنر اسلامی نگاره

□ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "اطلس صنایع دستی ایران" است که در مرکز تحقیقات هنر اسلامی نگاره در حال انجام است.

Archive of SID
www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه:

ظهور اسلام و ورودش به مناطقی همچون ایران، تحولی شگرف در ابعاد مختلف فرهنگ مادی و غیر مادی این سرزمین به وجود آورد که مبتنی بر مبانی نظری و اعتقادی دین جدید بود. از جمله مواردی که تحت تأثیر مبانی فکری اسلام قرار گرفت، هنرهای ایرانی بود. قالی یکی از همین هنرهاست که از برجسته‌ترین نمادهای ملی، تاریخی و شاخص‌های هویت هنری ایران محسوب می‌شود. قالی از یک سو به عنوان زیرانداز یا پوششی مطلوب در شکل‌های مختلف، برای پاسخگویی به بخشی از نیازهای زیستی مورد استفاده قرار گرفته و از سوی دیگر به دلیل نیازهای عاطفی و روانی و زمینه‌های زیباشناختی و لطافت جویی بشر به جنبه‌های هنری آن توجه شده و می‌شود. همچنین به دلیل این که در عرصه‌های مختلف زندگی ظهور و بروز داشته، در خلوت زندگی بشر، عبادتگاه و محافل اجتماعی او نفوذ یافته و گاه در جایگاه نمادها قرار گرفته، به بعد فرهنگی آن نیز توجه شده است.[۱]

یکی از نمونه‌های چنین استفاده‌ای را علامه مجلسی از امام علی(ع) نقل می‌کند که آن حضرت در خانه خود حجره‌ای معین داشتند که در آن فقط قالی، شمشیر و مصحف شریف (قرآن) وجود داشت و در آن حجره، نماز برپا می‌داشتند[۲]. این قضیه ارتباط فی مابین قالی، قرآن و نماز را مطرح کرده و ضمن تداعی عبارت «انسان از قالی به عرش پرواز می‌کند» علاوه بر توجه به کاربردی بودن هنر قالی به سیر عرفانی مؤمن از طریق بر پا داشتن نماز نیز اشاره دارد. نمازگزاردن بر قالی، برگرفته از نحوه عبادت مسلمین، دامنه وسیعی را در گسترش قالی‌هایی به نام «قالی سجاده‌ای» هموار می‌کند. در واقع این طرح، از طرفی مفهوم محراب، جای عبادت، تقرب خدا و از جایی دیگر مفهوم محراب به معنای جای قرب یعنی «جنگ در راه خدا» را به ذهن متبادر می‌کند. بنابراین هنر قالی بافی در فرهنگ اسلامی، هنری است والا و شایسته تکریم که در عرصه‌های گوناگون زندگی انسان، کاربرد دارد و علاوه بر آن در خلوت عرفانی او نیز ایفای نقش می‌کند.[۳]

در این مقاله سعی شده تا مضامین مرتبط با مفاهیم و پیام نماز در قالی‌های ایرانی سده‌های شانزدهم- نوزدهم/دهم-سیزدهم به ویژه قالی‌های سجاده ای- محرابی، مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدا ویژگی ها و مبانی نماز و ارتباط معنوی آن با انسان مطرح می‌شود، سپس و با توجه به روند توسعه قالی بافی دوران صفویه و قاجاریه، ساختار و ویژگی‌های قالی‌های سجاده ای- محرابی این دوره بررسی می‌شود، سپس مفاهیم و مضامین نماز، در نمونه‌های انتخابی قالی‌های ایرانی دوران صفویه و قاجاریه تبیین و تحلیل می‌شود.

۱- امیر حسین چیت‌سازان، بررسی دلایل تداوم و شکوفایی هنر قالیبافی ایران در دوران اسلامی، اولین همایش هنر اسلامی، به اهتمام محمد خزایی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲.

۲- محمد باقر مجلسی، حلیه المتقین، تهران، انتشارات جاویدان، بی‌تا، ص ۲۶۲.

۳- امیر حسین چیت‌سازان، بررسی دلایل تداوم و شکوفایی هنر قالیبافی ایران، پیشین، صص ۱۰۵-۱۰۴.

www.SID.ir

نماز و ارتباط معنوی آن با انسان

از پیامبر اکرم (ص) روایت است که: «اولین چیزی که خداوند برامت من واجب کرد، نمازهای پنجگانه است و اولین چیزی که از اعمال ایشان بالا برده می‌شود نمازهای پنجگانه است و اولین چیزی که نسبت به آن مورد سئوال واقع می‌شوند، نمازهای پنجگانه است».[۴] این روایت میزان اهمیت نماز، در اعمال انسان‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. نماز عصاره جهان‌بینی و ایدئولوژی مجموعه فعالیت‌های فکری و جسمی بشر را به طور نامریی منسجم و هماهنگ می کند و زمینه، دلبستگی و امیدواری را در حرکت به سوی آینده و چگونگی مبارزه با بلایا، سختی‌ها، رنج‌ها را به بشر می‌آموزد و این نشان از نوعی احتیاج و دلبستگی بشر به دینداری است و فلسفه اصلی وجودی فقر و نداری بشر را نسبت به خدا ثابت می کند. خداوند بر پا داشتن نماز را به عنوان ستون دین[۵] به طور تعبدی جهت تکامل عقل انسان به عنوان امری ضروری و غیر قابل تفکیک از عرصه زندگی، لازم و واجب شمرده است. به عبارت دیگر بر پایی نماز و اظهار به دین نشان از عجز و ناتوانی انسان و محصول فکر و دانش او، در قبال موجود مطلق عالم هستی است. نماز، جلوه‌ای از هماهنگی و انسجام فی مابین علم و دین با تبیین بنیان دانش به وسیله دین است.[۶] نماز پیام آور تعادل و نوع دوستی در روابط فردی و اجتماعی است.

نماز اولین نشانه عملی اعتقاد عقلی و ایمان قلبی مسلمان، پاک‌ترین تسبیح آفرینش و نشانه پرستش و طاعت مؤمن است.[۷] آنگاه که وجود انسان کنجکاو و متفکر، مملو از اندیشه، تأمل و تحیر در برابر شگفتی‌های هستی است، حالتی از تواضع، خضوع و تسلیم وجودش را فرا می گیرد و دیگر هیچ چیزی نمی تواند وجودش را جز ایستادن به نماز، قیام، رکوع و سجود آرام نماید و همین است که پاسخ عالی‌ترین نیاز انسان، به تقرب، یکتایی و توحید، سیر در عالم ملکوت، با اقامه نماز و سخن گفتن با خالق به کامل‌ترین وجه ممکن تامین می گردد.[۸] نیاز به آرامش چیزی جز نیاز به خداشناسی نیست و به غیر خدا فراهم نمی‌شود[۹]. بنابراین پرستش ذاتی هر انسان است و بهترین نوع پرستش و عبادت، نماز است و آثار و نعمات فراوانی بر روح فرد و جامعه می گذارد.[۱۰]

مفاهیم نماز براساس منابع مذهبی، عرفانی و ادبی

فلسفه و حکمت نماز بر کسی پوشیده نیست و بر تمامی شئونات زندگی انسان تأثیری مستقیم دارد. مقوله نماز، حیطه وسیعی از معانی مختلف همچون ذکر یاد خدا و نیایش، طهارت و شستشوی گناهان، توبه و پاکسازی، رحمت حق و آمرزش الهی، ادب و صداقت، معرفت و مقام بندگی آدمی، دوری از کبر و خودپسندی، انصاف و وفای به عهد، پرورش فضایل اخلاقی و تکامل معنوی و...، را پوشش می‌دهد. این مفاهیم به خوبی در معانی عبارات و ذکرهای نماز مشهود است[۱۱] و اصول توحیدگرایی و ذکر یادخدا، دوری از شرک و تشکر و سپاس از خدا، کبر و خودبینی و درخواست مغفرت و آمرزش الهی، بارها و بارها با تأکید تکرار می‌شود.

مراجعه به منابعی چون آیات قرآنی، احادیث ، روایات و متون ادبی و عرفانی، در می یابیم که قرآن کریم در آیات متعدد، کیفیت و رابطه نماز را با دیگر مباحث اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی تبیین می کند[۱۲] و بر این اساس ادیبان مسلمان نیز همواره تلاش کرده اند ترجمانی جامع از این مفاهیم را در آثار خود منعکس سازند، چنان که مفاهیم و مضامین فرهنگ دینی در جای جای آثار ادبی ناموران مسلمان ضبط شده است.[۱۳] از این روی جستجویی در گستره منابع مذهبی، ادبی و عرفانی خواهیم داشت تا انعکاس روح بندگی انسان‌ها، در آثارشان و تجلی آن را بر دیگر مباحث زندگی مورد بررسی قرار دهیم.

منابع مذهبی

از جمله مهم ترین منابع مذهبی که به بهترین وجه راه هدایت و رستگاری را به مردم نشان می‌دهد، قرآن مجید است. کتب احادیث و روایات ائمه (ع) نیز در کنار آیات قرآنی، منابعی وسیع از مفاهیم عرفانی، اخلاقی و دینی، جهت هدایت انسان‌ها فراهم آورده اند. در آیات متنابهی از قرآن بر اصل و اساس دین و مهم ترین وجه نیایش، یعنی ذکر و یاد خداوند با تاکید بر توحید و یگانگی اش اشاره شده است.[۱۴] پیشتر نیز اشاره شد که ذکر خداوند آرامش دهنده روح آدمی است و این آرامش سدی خواهد شد در برابر گناهان، چه انسان با نیایش حق روح خود را در دریای بی کران

۴- قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «اَوَّلُ مَا افتَرَضَ اللهُ عَلیَ اُمَّتی، الصَّلَوَاتُ الخَمسُ وَ اَوَّلُ مَا یُرفَعُ مِن اَعمَالِهم، الصَّلَوَاتُ الخَمسُ وَ اَوَّلُ مَا یَسأَلُوْنَ عَنهُ، الصَّلَوَاتُ الخَمسُ» کنزالعمال، ج۷، حدیث ۱۸۸۵.

۵- روایت از حضرت محمد (ص): «الصَّلوٰةُ عِمَادُ دِینِکُم» نماز پایه و ستون دین شما است (میزان الحکمه، ج۵، ص ۳۷۰)

۶- مرتضی ابراهیمی، نماز، نماد رابطه علم و دین، (نماز و دانشگاه) مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، تهران، گردآوردنده: دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، ستاد و اقامه نماز، ۱۳۸۰، ص ۵۰ .

۷- محسن غفاری، ارکان اسلام، انتشارات پیام آزادی، تهران، چ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۲.

۸-غلامعلی افروز؛نماز، کامل‌ترین پاسخ به‌عالی‌ترین نیاز انسان،مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، پیشین، ص ۱۰۱.

۹- چنان که خداوند در کتاب آسمانی‌اش، سوره رعد آیه ۲۸،فرموده است:«أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»«تن‌ها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

۱۰- محمدّ سالاری، نماز نماد رابطه علم و دین، مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، پیشین، ص ۲۵۵.

۱۱- تکبیر ابتدای نماز (الله اکبر) سوره‌های قرآنی خوانده شده (سوره حمد و اخلاص) ذکر رکوع (سبحان ربی العَظیم و بِحَمدِه)، ذکر سجد (سبحان ربی الأعلی و بِحَمْدِه)، قنوت (رَبنا آتِنا فی الدنیا الحسنه و فی الآخرت الحسنه و قنا عذاب النار)، تسبیحات اربعه (سبحان الله و الحمدالله و لا اله الا الله و الله اکبر)، تشهد (الحمدالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد) و سلام (السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته، السلام علینا و علی عبادالله الصالحین، السلام علیکم و رحمه الله و برکاته)

۱۲- مانند آیات ۴۳ و ۴۵ سوره بقره: «وَأَقِیمُواْ الصَّلَو ةَ وَءَاتُواْ الزَّکَوةَ وَارْکَعُواْ مَعَ الرَّکِعِینَ» «و نماز را بپادارید و زکات را بپردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع نمایید» «وَاسْتَعِینُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوةِ وَإِنَّهَا لَکَبِیرَةٌ إِلا عَلَی الْخَشِعِینَ» «و از صبر ونماز یاری جویید و این کار جز برای خاشعان، گران وسنگین است» و آیه ۴۵ سوره عنکبوت: «اُتْلُ مَآ أُوْحِیَ إِلَیْکَ مِنَ الْکِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنکَرِ وَلَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ وَاللَّهُ یَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» «آنچه را از کتاب (آسمانی قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را به‌پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر باز می‌دارد و البتّه یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌داند»

۱۳- طیبه بیضایی، گوشه‌هایی از تجلی نماز در ادبیات فارسی، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۸، صص ۱۲-۱۱.

۱۴- آیه ۱۴ سوره طه « إِنَّنِی أَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدنِی وَ أَقِمِ الصَّلَوةَ لِذِکرِی»، «به راستی من اَم آن خدای، که خدایی نیست جز مَن، پس مرا بپرست و نماز را به یاد من بر پای دار»

Archive of SID
www.SID.ir

رحمت الهی شستشو داده[۱۵] و راه را برای توبه و اصلاح باز می‌نماید و روح ایمان را در انسان تقویت می‌نماید. ایمان انسان را از خودبینی و تکبر و حرص دور ساخته[۱۶] و موجب تقویت فضایل اخلاقی و تکامل معنوی انسان شده و به سایر اعمال انسان چون ادب، صداقت، معرفت و وفای به عهد، ارزش و اعتبار و روح می‌دهد.[۱۷] ترتیب اعمال نماز از نیت، قیام، رکوع و سجود و انجام آن در وقتی معین نیز روح انضباط را در انسان تقویت می کند.[۱۸]

منابع ادبی- عرفانی

در منابع ادبی و عرفانی چون کتب شعرشاعرانی چون: عطار، مولانا، سعدی، حافظ، نیشابوری، جامی،... و کتب نثری چون مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری، تذکره الاولیاء و منطق الطیر عطار، بسیاری از مفاهیم و مضامین ارزنده دینی از جمله نیاز به نیایش، ذکر یاد حق، طلب آمرزش[۱۹]، دوری از کبر و خودبینی و خودپسندی[۲۰]، پاکسازی روح و رسیدن به کمال انسانی[۲۱]، به خوبی انعکاس یافته است. این گونه منابع، محفلی ارزنده در شکوفایی عرصه عرفان اسلامی و پرورش فضایل اخلاقی و تکامل معنوی بوده اند، چه بسیاری از شاعران و ادیبان پارسی گوی، خود از عرفای نامی زمانه خویش محسوب می شدند.

اهتمام ادیبان مسلمان به شکافتن ابعاد نماز و حضور این رکن، در تمامی حوزه‌های حیات اجتماعی و فردی گذشتگان موجب تفکر و شگفتی است. شاید بر همین اساس است که روایات و تمثیلات ادبی کهن، از جاذبه‌های تصویری و نمایشی فوق العاده ای برای همگان برخوردار بوده و با زبانی خلاقانه به ترویج و اشاعه ابعاد مختلف نماز پرداخته اند.

دین اسلام علاوه بر این که مردم را به عبادت خدای یکتا فرا می‌خواند، الگوهای خاصی را برای نیایش ارایه می‌دهد. در کنار شماری از آیات قرآنی که خود نیایش هستند، دعاهای ارزشمندی از پیشوایان دین هم به ما رسیده است که جلوه‌های راز ، نیاز ، اخلاص، عشق و سوز را به نمایش می گذارند. البته مهم‌ترین و عالی‌ترین نیایش اسلامی در هنگام نماز روی می‌دهد.[۲۲]

حرکات بدن در نماز از قبیل: قیام، رکوع و سجده،[۲۳] دقیقاً از مراحل عروج، نزول و حرکات صعودی روح، که به نوعی تجلی ذات خداوندی در عالم خلقت است پیروی می کند. مراسم نماز، کمک می کند تا وجه الهی تکمیل شود و بدین وسیله عارف در نماز، موفق به دیدن وجه الله، در مقدسترین محراب می‌شود و این در حالی است که نمازهای یومیه بر روی یک قالی نماز و یا همان سجاده انجام می گیرد که نقوش آن اغلب با محراب منطبق است.[۲۴]

روند قالی‌بافی صفویه و قاجاریه

اوج شکوفایی و عصر طلایی قالی ایران، مقارن دوره صفویه- اوایل سده شانزدهم/دهم تا نیمه سده هجدهم/دوازدهم است. شاهکارهای بی نظیر و بسیاری از هنر قالی‌بافی دوره صفویه، اینک زینت‌بخش موزه ها، مراکز هنری جهان و مجموعه‌داران خصوصی است.

از جمله دلایل شکوفایی قالی ایران در دوره صفویه، می‌توان به حمایت بیدریغ دولت از تولید انواع قالی و هنرمندان دست‌اندر کار آن، توجه دقیق و مراقبت مستمر در زمینه تولید مواد مصرفی قالی‌بافی؛ حمایت و ترویج رنگرزی با مواد طبیعی؛ استفاده و رونق به کارگیری از طرح‌های منحنی؛ توجه وافر به طراحی نقشه در قالی براساس خصوصیات و ویژگی‌های مهم قالی بافی در هر یک از مناطق تولیدی و دقت در امر تولید قالی با کیفیت مطلوب و نظارت مستقیم دولت در امر برآورده کردن سفارش قالی از کشورهای خارجی اشاره کرد.[۲۵] اگرچه با بررسی قالی‌های متعددی که از عهد صفوی به جای مانده، به تنوع نقوش قالی آن عصر ادغان می یابیم، اما به طور عمده، در دوران صفوی با چهار نقش اصلی که عبارتند از: نقش محرابی (سجاده ای)، نقش گل ، نقوش طبیعی، نقش لچک ترنج و نقوش حیوانی رو به رو هستیم. در دوره صفویه، نظر به اهمیت طراحی قالی، هنرمندان طراح، بسیار مورد حمایت قرار می‌گرفتند و توسط آنان نقش‌های تازهای ابداع شد که تا پیش از آن در قالی‌بافی دیده نشده است.[۲۶] با سقوط دولت صفوی و هجوم افغان ها به شهرهای مختلف ایران، هنرهای مختلف از جمله هنر قالی ، طراحی و نقاشی رو به افول گذاشت. در دوره کوتاه حکومت افشاریه و زندیه نیز فرصت احیاء و رونق مجدد آن ها به دست نیامد. در عهد فتحعلی شاه قاجار، آرامش نسبی حکم فرما شد و هنرهای ایرانی دوباره جوانه زدند.[۲۷] آثار

۱۵- پیامبر اکرم (ص): «نماز، درست همانند آبی جاری است، هر زمان انسان نماز می‌خواند، گناهانی که در میان دو نماز انجام شده، از میان می‌رود» (وسایل الشیعه، ج۳، ص۷)

۱۶- حضرت علی (ع): «خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان‌ها از شرک و نماز را برای پاکسازی از کبر واجب کرده است واجب کرده است» (نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ۱۳۶)

۱۷- حضرت علی (ع): «نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خدا است» (نهج‌البلاغه، نامه‌ها، وصیت۴۷)

۱۸- برگرفته از: وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴.

۱۹- همچنانکه سعدی بوستان خود را این گونه آغاز کرده است:

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابخش پوزش پذیر

(مصلح الدین سعدی، کلیات سعدی، بوستان، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، بهزاد، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱).

۲۰- سعدی در روایتی از گلستان آورده:

«یاد دارم که در هنگام طفولیت متعبد بودم و شب خیز و مولع زهد و پرهیز، شبی در خدمت پدر- رحمه الله علیه- نشسته بودم و همه شب دیده برهم نبسته و مصحف عزیز برکنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته، پدر را گفتم از اینان یکی سربر نمی دارد دوگانه ای بگزارد، چنان خواب غفلت برده اند که گویی مرده اند، گفت: جان پدر تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی.

نبیند مدعی جز خویشتن را که دارد پرده پندار در خویش
گرت چشم خدا بینی ببخشد نبینی، هیچ کس عاجزتر از خویش»

(مصلح الدین سعدی، کلیات سعدی، گلستان، پیشین، ص ۳۶).

۲۱- تعبیری از کرامت انسانی را در غزلی از حافظ این گونه می‌خوانیم:

ای بیخبر بکوش که صاحب خبر شوی
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
در مکتب حقایق پیش ادیب عشق
هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

(شمس‌الدین محمد حافظ‌شیرازی، دیوان حافظ، تهران، انتشارات مهتاب، ص ۳۵۱).

۲۲- محمد سالاری، نماز نماد رابطه علم و دین، مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، پیشین، ص ۲۶۱.

۲۳- سجده، سمبل عبادت است و فرد در مرحله اوج و نهایت تذلذل که قرار می گیرد، همه منیّت‌ها و منّها را شستشو می‌دهد و رنگ الهی را بر جان خویش می‌پاشد. در این مرحله، زندگی معنای دیگری پیدا می کند و انسان گام به گام در مسیر صراط بزرگ، سیر پیدا می کند. اگر فردی به این هسته مرکزی عبادت تن ندهد، هرگز به صراط مستقیم نخواهد رسید. آرامش آرمانی، تواضع و تقرب، تشکر و تذکر، استکبار زدایی و راه رسیدن به بهشت. از جمله ره آوردهای سجده می‌باشد (اصغر بابایی، نقش نماز (سجده)، در بازسازی معنوی دانشجویان، مجموعه مقالات برگزیده اجلاس سراسری نماز، پیشین، ص۱۱۱ و ۱۲۸-۱۱۹) ۱۲۹-۱۰۳

۲۴- محمد معمارزاده، تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی، تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۲۰.

۲۵- حسین یاوری، مبانی شناخت قالی ایران، تهران، نشر رجاء و ماهنامه قالی ایران، ۱۳۸۴، ص۲۳.

۲۶- همان، ص۲۵.

۲۷- امیرحسین چیت سازان، بررسی عوامل مؤثر بر طراحی قالی کاشان، مجموعه مقالات اولین همانديشی هنر قالی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷، ص۱۱۴.

Archive of SID

و مدارک به جای مانده و بررسی اسناد تاریخی مؤید رونق قالی بافی در خراسان، در حدود نیمه حکومت قاجار و تولید قالی‌هایی با کیفیت و مورد توجه شرکت‌های خارجی است.[۲۸] با آن که هنر قالی‌بافی در دوره صفویه، با توجه پادشاهان و گردآوری و تشویق هنرمندان، پیشرفت قابل ملاحظه ای نمود، به طوری که در زمان شاه عباس، شگفتی این هنر افزایش یافت و شاه عباس در اصفهان کارگاهی دایر نمود وبدین ترتیب قالی‌های نفیسیبه سفارش و برای دربار بافته شد. و پیشرفت قالی‌بافی تا به آن جا رسید که این هنر یکی از منابع اقتصادی گردید؛ لیکن با روی کار آمدن سلسله قاجاریه، هنر قالی‌بافی نسبت به دوره صفویه، رو به تنزل و ضعف گذاشت و پس از آن نتوانست شکوه خود را باز یابد.[۲۹]

در قالی‌های دوره صفویه و پس از آن، نقش ها بیش از دوره‌های قبلی، در جایگاه مفهومی مطرح می‌شوند و این نقش‌ها در حالت کلی، تداعی گر نوعی وحدت و یگانگی واز طرفی یک اصل و ریشه هستند.

پس از دوره کوتاه افشاریه و زندیه، در دوره قاجار، هنرها تحت سرپرستی سخاوتمندانه تری قرار گرفتند و قالی بافی مندرجاً در سراسر کشور جانی تازه یافت. گرچه بسیاری از سنت ها همچنان پایدار باقی ماندند، اما دستخوش تغییراتی شدند؛ بدین معنی که اغلب طرح‌ها، در مقیاسی کوچکتر، مطابق با نمونه های صفوی کاربرد یافتند. رنگ ها نیز روشن تر شدند و اصولاً تغییراتی اصولی در تزیین و طرح قالی ایجاد شد. زندگی پر شور و تجمل دربار قاجاری در پرده‌هاو تابلوهای رنگ روغن بازتاب یافته است که در بیشتر آن ها ، قلی هایی با نقوش متنوع رایج به تصویر در آمده اند.

این قالی ها معمولاً با طرح‌های کوچک سراسری از طومارهای ختایی یا اسلیمی‌های گردان و نقش‌مایه‌های گل و گیاهی درهم و همچنین بندی‌های دسته گل و گل سرخ تزیین می‌یافتند.[۳۰]

بررسی مفاهیم نماز در قالی‌های محرابی ایرانی

طرح‌های محرابی، بیشتر در قالیچه ها کاربرد داشته و بافته می‌شدند. یعنی قالیچه‌هایی مخصوص نماز که در متن آن ها نقش محراب- جای نماز امام یا دیگر مؤمنان نماز گزار- پیش‌بینی شده است. در بالا با خطی گردان یا منحنی سمت جلو محراب و قبله نمایانده شده است . اصولاً و بنا بر ضرورت رعایت دستورات دینی، کف این گونه قالیچه‌ها، ساده‌تر و نقش و نگار کمتری دارد. طرح‌های محرابی گاهی در قسمت بالا با آیات و مضامین قرآنی، با خطوط «کوفی»، «نسخ»، «تعلیق» و گاهی نیز خط «ثلث» و نستعلیق، مزین می‌شدند. بدیهی است که این گونه قالیچه ها فاقد هرگونه طرح حیوانی و حتی پرنده به ویژه در بخش بالایی طرح است. اما در این طرح تزییناتی همچون قندیل-که چراغ هدایت تعبیر شده، گلبرگ، سرو، ستون، سرستون، و طرح‌های کاشی کاری‌ها به چشم می‌خورند. طرح‌های محرابی دارای انواع و اقسام گوناگونی است که شامل، محرابی، محرابی کتیبه ای، محرابی قندیل دار،محرابی درختی، محرابی گلدانی، محرابی سرتاسری و محرابی دورنما می‌باشند،[۳۱] که دربخش بعدی، نمونه‌های از هر گروه به طور کامل معرفی می‌شوند. همان گونه که اشاره شد، قالی‌های محرابی یا سجاده‌ای دارای انواع مختلفی هستند. بر این اساس نمونه‌های انتخاب شده را در چهار گروه ۱- قالی‌های محرابی کتیبه‌ای ۲- قالی‌های محرابی قندیل‌دار ۳- قالی‌های محرابی درختی ۴- قالی‌های محرابی گلدانی مورد بررسی قرار می‌دهیم. دلیل این انتخاب، نوع نقوش متداول در قالی‌های محرابی و ارتباط مضامین آن ها با مفاهیم نماز است.

گروه اول: قالی‌های محرابی کتیبه‌ای

به طرح محرابی به علت نقش کتیبه که در آن بافته می‌شود، طرح کتیبه‌ای نیز گفته می‌شود.[۳۲] بنابراین در این گروه، بخش اصلی و اساسی نقوش قالی، علاوه بر نقش اصلی محراب که خود ارتباطی عمیق با برقراری نماز دارد؛ شامل کتیبه‌هایی با عبارات قرآنی، اسماء الله، ذکر سجده، ادعیه، صلوات و شهادتین است. شکل محراب با فرورفتگی طاقچه‌وارش که در مناطق مختلف به صورت‌های مختلف تزیین می‌شود ، تأثیر معنوی زیادی بر نمازگزار دارد. در بالای محراب و آویخته به مرکز سقف آن، چراغی در حالت تعادل آویزان می کردند که نشانه معرفت و یادآور آیه نور قرآن کریم است. «الله نور السموات و الارض». طرح اصلی محراب که از سده نهم/سوم به بعد رایج گردید، توجه روز افزون هنرمندان را به خود جلب کرد، هنرمندان عاشق با الهام از معرفت اسلامی چنان به تزیین محراب همت گماشتند که این انگیزه خود منشأ گسترش و تکامل هنرهای دیگر گردید.[۳۳]

مجموعاً ۸ نمونه در این گروه انتخاب شده‌اند، که ۷ نمونه آن متعلق به دوران صفوی و یک نمونه متعلق به قاجار است.۳ نمونه اول قالی‌های این گروه، هم از نظر شکل ظاهری محراب و نقوش اسلیمی و گل بوته‌ای و هم از نظر عبارات کتیبه‌ای و محل قرارگیری آن ها مشابه یکدیگرند. در حاشیه بزرگ آن ها آیه ۲۵۵ سوره بقره (آیت الکرسی) که در روایات شیعه و سنی این آیه به منزله قله قرآن است و بزرگ ترین مقام را در میان آیات داشته و نسبت به تلاوت آن بسیار سفارش شده است. در این آیه، ۱۶ مرتبه نام و صفات خداوند مطرح شده، به همین سبب آیت الکرسی را شعار و پیام توحید داشته‌اند.[۳۴] این آیه اشاره به اساس و پایه نماز یعنی یاد خدا و اصل توحید و یگانگی خداوند دارد.

۲۸- حسین یاوری، مبانی شناخت قالی ایران، پیشین، صص ۲۶-۲۵.

۲۹- پوراندخت نیرومند، آموزش هنر قالی‌بافی، تهران، بازتاب، ۱۳۷۸، صص ۱۴-۱۳.

۳۰- ر. دبلیو فریه، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۷۴، ص۱۳۶.

۳۱- حسین یاوری، مبانی شناخت قالی ایران، تهران، نشر رجاء و ماهنامه قالی ایران، ۱۳۸۴، ص ۸۰.

۳۲- حسن آذرپاد، فضل الله حشمتی، قالینامه ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳،ص ۱۱۹.

۳۳- محمد معمارزاده، تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی، پیشین، ص ۲۱۷.

۳۴- آیه ۲۵۵ سوره بقره، «اللَّهُ لاَ إِلَـهَ إِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لاَ تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلاَ نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلاَ يُحِيطُونَ بِ شَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلاَّ بِمَا شَاء وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَلاَ يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»؛ « الله، که جز او معبودی نیست، زنده و برپادارنده است. نه خوابی سبک آو را فرا گیرد و نه خوابی سنگین. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آنکه جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند. گذشته و آینده آنان را می‌داند و به چیزی از علم او احاطه پیدا نمی کنند مگر به مقداری که او بخواهد. کرسی (علم و قدرت) او آسمان‌هاو زمین را در برگرفته و نگهداری آن دو بر او سنگین نیست و او والا و بزرگ است.«از حضرت علی (ع) نقل شده که :« بعد از شنیدن فضیلت این آیه شبی بر من نگذشت، مگر آنکه آیت الکرسی را خوانده باشم. (تفسیر نور ، ۳۰:۱۰، ۸۸/۴/۳۰، (http://www.qaraati.net/tafsir).

Archive of SID
www.SID.ir

در حاشیه درونی کوچک محراب، آیات ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء[۳۵] که بر فضیلت و زمان نمازهای یومیه (نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء)، فضیلت به جای آوردن نماز شب و مسئله صدق در کارها و حق بودن خداوند و اجابت دعا بعد از نماز، اشاره دارد. تاثیر دعای بعد از نماز را در حدیثی نبوی می‌توان مشاهده نمود[۳۶] و حافظ شیرازی نیز با الهام از این آیات و روایت در غزلی دل را به طلب کردن نیاز به درگاه حق رهنمون کنند.[۳۷]

در حاشیه بیرونی کوچک قالی ها، آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره، نقش بسته، که اصول دین ،توحید، نبوت و معاد را بیان می کند. این آیات در میان مردم دارای ارزش واعتباری خاص هستند تلاوت آن را همانند گنجی معنوی می دانند. این آیات معمولابعد از نماز عشاء قرائت شده و ثواب نماز شب را دارند.[۳۸] از نکات مهم در این گروه قالی‌ها، این است که عبارات قرآنی و ادعیه همگی، در نیمه بالایی قالی و بالای طرح محراب که محل قرار گیری نماز گزار نیست، با خطوط کوفی، نسخ و ثلث، نقش بسته‌اند. تمامی آیات برحکمت و فلسفه نماز ،شامل اصل توحیدگرایی، تکامل معنوی انسان، روح انضباط ، دوری از گناه ، کبر و خودبینی اشاره دارد.نمونه شماره ۱، قالیچه‌ای محرابی زربفت متعلق به سده شانزدهم/دهم است که اکنون در مجموعه خانم پاراوینچی نگه داری می‌شود. این قالیچه در ابعاد ۱۶۲×۱۰۷ سانتی‌متر و در شمال غرب ایران بافته شده است.[۳۹] نقش اصلی این قالی، پیچش‌های اسلیمی[۴۰] است که در میان آن نقوش گل و بوته نیز به کار رفته است. در ابتدا و انتهای آیه در حاشیه بزرگ دو ستاره هشت پر و در گوشه‌های حاشیه بزرگ دو قاب با عبارات «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» به خط کوفی معقلی نقش بسته است. در متن قالی و در بخش بین طرح محراب و حاشیه درونی، اسماء خداوند مانند اللطیف، العظیم، الباسط، الرافع،الحی القیوم و...» و در نوار دور محراب آیات ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم نگارش یافته است.[۴۱] دلیل ذکر این آیه آن است که نماز محور دعاهای حضرت ابراهیم بوده و با آن که رسالت انبیاء اقامه دین است، اما اقامه نماز، نشانه چهره و سیمای تمام نمای دین می‌باشد، از سویی در میان عبادات، نماز جایگاه خاص و ویژه ای داشته و همه انبیاء مامور به توصیه و سفارش به نماز در بین قوم خود بوده اند و این مطلب از آیات و روایات متعدد به فراوانی مشاهده می شود.[۴۲] در کتیبه بالای متن و زیر محراب و در محلی که پیشانی نمازگزار قرار می گیرد، عبارت «الله اکبر» نیز ذکر شده است.

دومین نمونه، (تصویر ۲) قالیچه‌ای محرابی زربفت متعلق به موزه متروپولیتن بوده و در تاریخ ۱۰۱۶/۱۶۷۰ با زمینه‌ای لاکی رنگ بافته شده است. کتیبه‌های این قالی همچون نمونه قبلی است، با این تفاوت که در انتهای آیات نقش بسته در حاشیه بزرگ به جای ستاره هشت پر از همان قاب با عبارات کوفی معقلی استفاده شده است. همچنین در حاشیه درونی کوچک آیات ۲۰۳ تا ۲۰۵ سوره اعراف به خط نسخ بافته شده که اشاره به آداب تلاوت قرآن در همه زمان‌ها، به ویژه در هنگام نماز جماعت و آداب ذکر و دعا که باید با تضرع و خشوع و امید همراه باشد، دارد.[۴۳] در نوار دور محراب آیه ۲۲ سوره حشر[۴۴] نیز، اشاره به یکتایی و یگانگی خداوند و اصل توحیدگرایی دارد و مولانا در مثنوی معنوی خود به خوبی بر این اصل اشاره داشته است.[۴۵]

۳۵- آیات ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء «أَقِمِ الصَّلاَةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا، وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا، وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا، وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»، «نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، بپادار، و همچنین قرآن سپیده دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فالیتگان) است، و پاسی از شب را بیدار باش و تهجّد و عبادت کن، و این وظیفه ای افزون برای تو است، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد، و بگو: پروردگارا! مرا با ورودی نیکو و صادقانه وارد (کارها) کن و با خروجی نیکو بیرون آر و برای من از پیش خود تو سلطه و برهانی نیرومند قرار ده، و بگو: حقّ آمد و باطل نابود شد، همانا باطل، نابود شدنی است».(تفسیر نور، ۳۰:۱۰، ۸۸/۴/۳۰، http://www.qaraati.net/tafsir).

۳۶- در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده: « اَلدُّعَیبُ بَعدَ الصَّلوه الفَجر اَبلَغُ فی طَلَبِ الرِّزقِ» «دعای پس از نماز صبح برای زندگی و جلب رزق مؤثر تر است» (بحار الانوار ج ۸۵ ص ۳۲۶)

۳۷- دلا بسوز که سوز تو کارها بکند نیاز نیمه شبی دفع صد بلا بکند
زملکتاملکو تشح جابیردارند هرآنکه خدمت جام جهان نمابکند
ربخت خفته ملولم بود که بیداری به وقت فاتحه صبح یک دعا بکند
(شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان حافظ، پیشین، ص ۱۳۴).

۳۸- آیات ۲۸۵ و۲۸۶ سوره بقره، « آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَمَلآئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لاَ نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُواْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، لاَ يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لاَ تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلاَ تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلاَ تُحَمِّلْنَا مَا لاَ طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَآ أَنتَ مَوْلاَنَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» ، « پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان دارد و همه مؤمنان (نیز) به خدا و قالیتگان و کتاب‌ها ی (آسمانی) و فرستادگانش ایمان دارند (و می گویند:) ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی گذاریم (و به همگی ایمان داریم) و گفتند: ما (ندای حقّ را) شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت (ما) به سوی توست، خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی کند، هرکس آنچه از کارهای نیک انجام دهد به سود خود انجام داده و آنچه از کارها (ی بد) کسب کرده به ضرر خود کسب کرده است. (مؤمنان می گویند:) پروردگارا! اگر (در انجام تکالیف چیزی را) فراموش یا خطا نمودیم،ما را مؤاخذه مکن. پرودگارا! تکلیف سنگین بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی. پروردگارا! آنچه را (ازمجازات) که طاقت تحمل آن راندارایم، بر ما مقرّر نکن و از ما درگذر و ما را بیامرز و در رحمت خود قرارده، تو مولی و سرپرست مایی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان».(تفسیر نور، ۳۰:۱۰، ۸۸/۴/۳۰http://www.qaraati.net/tafsir).

۳۹- شیرین صوراسرافیل، قالی ایران، تهران، یساولی، ۱۳۶۶، ص ۱۹.

۴۰- دو نوع خاص طرح اسلیمی، وجود دارد :اولی از به هم بافته شدن و درهم پیچیدن تعداد کثیری ستاره هندسی تشکیل شده است که شعاعهایشان به هم می‌پیوندد و نقش بغرنج و بی انتهایی را پدید می آورد. این طرح، نماد شگفت انگیزی از مراتب از تفکر و مراقبه است که طی آن، آدمی، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را در می‌یابد. نوع دیگر که عموماً عنوان طرح اسلیمی به آن اطلاق می‌شود، از آرایه‌های گیاهی تشکیل شده و صرفاً از قواعد توازن (ریتم) تبعیت می کند. طرح اسلیمی منطقی و موزون، ریاضی گونه و آهنگین است و این ویژگی‌ها در برابر روح اسلام که طالب موازنه میان عقل و عشق است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. (سید سعید احمدی زاویه، بررسی و تحلیل روابط ساختاری و محتوایی قالی و شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، ۱۳۷۴، صص ۲۶۰-۲۵۹).

۴۱- آیات ۴۰و ۴۱ سوره ابراهیم ، « رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلاَةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاء، رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» ، « پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریّه ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر،پروردگارا مرا وپدر ومادرم را ومؤمنان را، روزی که حساب بر پا می شود ببخشای» . (تفسیر نور ، ۳۰:۱۰، ۸۸/۴/۳۰ ، http://www.qaraati.net/tafsir).

۴۲- رسول اکرم (ص) می‌فرماید: « اَلصَّلاهُ مِن شَرایِعِ الدّینِ، وَ فیهَا مَرضاهُ الرَّبِّ- عَزَّوَجَلَّ- فَهی مِنهاجُ الاَنبیاء» «نماز از سنت‌های دین می‌باشد و مایه خشنودی پروردگار و راه و روش پیامبران است» (بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱)

۴۳- آیات ۲۰۳ تا ۲۰۵ سوره اعراف « وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُواْ لَوْلاَ اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ، وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْءَانُ فَاسْتَمِعُواْ لَهُ وَأَنْصِتُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ، وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ وَلاَ تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ»، «و هرگاه آیه‌ای برای آنان نیاوری (و چند روزی تلاوت وحی قطع شود)، می گویند: چرا آیه‌ای برنگزیدی؟ بگو: من فقط چیزی را پیروی می کنم که از سوی پروردگارم بر من وحی می‌شود. این (قرآن) بصیرت‌هایی از سوی پروردگارتان است و برای کسانی که ایمان آورند، مایه‌ی هدایت و رحمت است، و هرگاه قرآن خوانده شود، به آن گوش دهید و ساکت شوید (تا بشنوید)، باشد که مورد رحمت قرار گیرید، و پروردگارت را از روی خوف وتضرّع، آهسته و آرام در دل خود و در هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش». (تفسیر نور ، ۳۰:۱۰، ۸۸/۴/۳۰ ، http://www.qaraati.net/tafsir).

۴۴- آیه ۲۲ سوره حشر، « هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، « او خدایی است که معبودی جز او نیست، به غیب و شهود آگاه است. او مهربان و بخشنده است». (تفسیر نور ، ۳۰:۱۰، ۸۸/۴/۳۰ ، http://www.qaraati.net/tafsir).

۴۵- آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلیلت باید از وی رو متاب بهاءالدین خرمشاهی وسیامک مختاری،قرآن ومثنوی، پیشین، ص ۲۹).

www.SID.ir
Archive of SID

تصویر۱- قالیچه محرابی زربفت، آیات ۲۵۵، ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره، ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء، ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم، عبارت شهادتین و اسماء الهی، سده شانزدهم/دهم، مجموعه خانم پاراوینچی.

تصویر۲- قالیچه محرابی زربفت، آیات ۲۵۵، ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره، ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء، ۲۰۳ تا ۲۰۵ سوره اعراف، ۲۲ سوره حشر، عبارت شهادتین و اسماء الهی، ۱۰۱۶/۱۶۷۰، موزه متروپولیتن.

در کنار این آیه شریفه عباراتی چون: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، العلیم، العظیم، الغفور، الشکور و الحفظ» نوشته شده است.[۴۶] علاوه بر این موارد، نقوش اسلیمی مورد استفاده در این قالی، اسلیمی‌های ماری در متن قالی و پیچش‌های ظریف‌تر اسلیمی در حاشیه‌هابه همراه طرح‌های گل و بوته است.

سومین نمونه نیز همچون دو نمونه قبلی دارای همان ویژگی‌های نقش و طرح و کتیبه‌هااست. (تصویر ۳) این قالیچه محرابی که در کاشان در سال ۱۰۴۲/۱۶۲۳ بافته شده است اینک در موزه ملی ایران نگه داری می‌شود. از تفاوت‌های این قالی با دو نمونه قبلی یکی طرح ترنج با زمینه سرمه‌ای و دو سر ترنج است که در وسط متن قرار دارد و دیگری استفاده دو قاب با خط کوفی معقلی در حاشیه بزرگ می‌باشد. همچنین در قابی ترنجی در زیر محراب و محلی که نمازگذار سر بر سجده می گذارد، ذکر سجده (سبحان ربی الاعلی و بحمده) به رنگ سفید نقش شده است که تاکید بر اصل نماز یعنی ذکر یاد خدا، توحید و یگانگی او دارد. ابعاد این قالیچه ۱۱۹×۱۵۷ سانتی‌متر و تار و پود آن از ابریشم طبیعی بوده که در چند قسمت آسیب دیده است.[۴۷]

طرح مشابه دیگری از این نمونه قالی‌ها، قالیچه‌ای سجاده‌ای متعلق به اوایل سده هفدهم/یازدهم و بافت تبریزاست که اینک در موزه قالی تهران نگه داری می‌شود. این قالیچه از لحاظ ظاهری با دو نمونه قبلی مشابه است اما در حاشیه بزرگ این قالیچه که زمینه‌ای کرم رنگ دارد، صلوات بر چهارده معصوم (ع)،[۴۸] در حاشیه کوچک «آیت‌الکرسی» در نوار دور محراب نیز آیات ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم نوشته شده است. همچون نمونه قبلی در ترنج زیبایی در زیر قاب محراب و متن ساده قالی به زمینه لاکی، عبارت ذکر سجده به رنگ سفید نقش بسته است و مابقی متن قالی با نقوش اسلیمی و ختایی پر شده است. در این قالی توحیدگرایی و اصل اساسی نماز، سفارش پیامبران به نماز و اجزاء و مضامین نماز، بسیار مورد توجه طراح آن بوده است.

نمونه زیبای دیگری از قالیچه‌های محرابی، کتیبه‌ای متعلق به دوره صفوی و موزه فرش تهران، (تصویر۵) قالیچه‌ای با نقش‌های هندسی در متن و حاشیه است. در این قالیچه زیبا عبارات مذهبی در نیمه بالای متن و محل سجده‌گاه نقش شده‌اند. در بخش بالای محراب و زیر حاشیه عبارات

۴۶- مهناز شایسته‌فر، کاربرد مفاهیم مذهبی در خط نگاره‌های قالی صفوی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۴، ص ۳۰.

۴۷- شیرین صوراسرافیل، قالی ایران، پیشین، ص ۲۰۹.

۴۸- «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی الْمُصْطَفی وَ عَلَی الْمُرتَضی و فاطمه البَتول وَ السَبْطین الحَسَن و والحُسَیْن وَ صَلِّ علی زَیْنَ العباد وَ مُحَمَّدَ الباقر وَ جَعْفَرِ الصادق وَ الموسَی الْکاظِم وَ عَلی الرضا وَ مُحَمَّد النَّقی وَ الزَّکیّ الْحَسَن الْعَسْکری وَ صَلِّ عَلی حَجَّتنا الْقایمُ الْخلْف الصالحَ الامام الْهُمام الْمُنْتَظر الْمَظَفَّر الْمَهْدیَ صاحِب الزّمان صَلَواتُ الله و سَلامُهُ عَلَیه و عَلَیْهِم اَجْمَعین الطاهرین»

Archive of SID
www.SID.ir

«عجلوا بالصلوه قبل الفوت» و «عجلوا بالتوبه قبل الموت» نوشته شده که سفارش به تعجیل در اقامه نماز و توبه قبل از دست رفتن زمان آن دارد.[۴۹] همچنین در زیر قاب محراب «آیت الکرسی» که در ابتدای آن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» و در آخر آن «صدق الله الکریم» نوشته شده است. قابی ترنجی شکل با متنی نارنجی در میان این عبارات نقش شده که در آن دعای «ناد علی»[۵۰] (توسل به حضرت علی (ع)) و در داخل ترنج درونی آن عبارات «یا الله، یا محمد و یا علی» بافته شده که استفاده از آن به مستحبات و ادعیه بعد از نماز اشاره دارد.[۵۱]

در همین موزه، قالیچه مشابهی متعلق به اوایل سده هفدهم/یازدهم و بافت اصفهان، نگه داری می‌شود که از لحاظ ترکیب بندی اجزاء، نقوش و کتیبه‌هابسیار شبیه نمونه قبلی است با این تفاوت که در زیر قاب محراب به جای آیت الکرسی، عبارت شهادتین نوشته شده به طوری که عبارت «علی ولی الله»، در قسمت لچکی بالای محراب قرار گرفته است. متن این قالی دارای ۴ نقش اسلیمی ماری به صورت شکسته بوده و با خطوط و نقوش دیگر به هم متصل شده اند. (تصویر۶) در هر دو نمونه، نوشتن آیت‌الکرسی و عبارات مقدس شهادتین، بیش از هر چیز بر اصل اساسی نماز، یعنی ذکر و یادخدا و شهادت بر یگانگی او اشاره دارد. مولانا در مثنوی معنوی خود با الهام از این آیه شریفه، به گونه ای بر یکتایی خداوند تاکید کرده است.[۵۲]

قالیچه ای محرابی با نقوش شکسته و هندسی و حاشیه‌ای به خط کوفی مشجر از دوره صفوی، (تصویر۷) یکی دیگر از نمونه‌های قالی‌های محرابی کتیبه‌ای است که خط کوفی به رنگ سفید در زمینه‌ای تیره که به صورت متناوب تکرار شده ، جلوه‌ای زیبا به آن داده است. در قسمت بالای محراب که به صورت لچکی می‌باشد عبارات همچون نمونه قبلی آمده، با این تفاوت که به صورت قرینه هم قرار گرفته‌اند. در متن قالی، نمایی از صحن و شبستان مساجد را با نقش دو منبره پله‌ای در طرفین متن، قندیل‌ها و چراغ‌هایی آویزان از سقف و طرح هشت ضلعی حوض مانندی در پایین متن، به نمایش گذارده است. در میان طرح دو منبر و در مرکز متن قالی، ستاره‌ای هشت پَر و زیبا دیده می‌شود.

آخرین تصویر مورد بررسی در این گروه (تصویر۸) قالیچه‌ای ابریشمی بافت کاشان است که اینک در موزه متروپولیتن نگه داری می‌شود. طرح اصلی آن از قالی‌های دوره صفویه اقتباس شده، اما از بافته‌های سده نوزدهم/سیزدهم است و با نمونه‌های قبلی تفاوت بسیاری دارد. یکی از تفاوت‌های عمده این قالی کتیبه‌ها و عبارات نقش شده در حاشیه‌های آن است که بر خلاف نمونه‌های قبلی هنرمند از منتخب غزلیات حافظ در حاشیه بزرگ[۵۳] و حاشیه درونی[۵۴] قالی بهره برده است.

کلیه این ابیات به خوبی اشاره به حکمت و فلسفه نماز، طریق عشق الهی، دوری از خودخواهی، خودپسندی و تواضع و بخشش داشته و به انسان یادآور می‌شود که تا زمان و وقت در این جهان باقی است، از سرشت اصلی خود و مقصود الهی غافل نباشد.[۵۵] این آیات به خوبی انعکاس عباراتی است که در بالای محراب نمونه شماره ۵ آمده است.

از دیگر نکات قابل توجه در این قالی آن است که در متن اصلی، از نقوش گل و گیاهان و پرندگان استفاده شده است که این نقوش در قالی‌های سجاده‌ای نقوشی غیر متعارف بوده و در سده‌های بعدی (سده‌های نوزدهم-بیستم/سیزدهم-چهاردهم) به نقش قالی‌های محرابی اضافه شده است. نقش متن اصلی قالی، تداعی کننده بهشت وعده داده خداوند است که در بخش پایینی قالی استفاده شده که جایگاه نشستن نماز گزار است. در بخش بالایی محرابی قالی (مکان سجده گاه) همچون نمونه‌های قبلی، اسماء خداوند نوشته شده است. در بررسی اجمالی ۸ نمونه اشاره شده در این گروه، ارتباط تنگاتنگ مفاهیم و مضامین نماز، یعنی اصل توحیدگرایی، دوری از گناه، کبر و خودبینی، تکامل معنوی، صبر و استقامت، انضباط روح، دعوت به پاکسازی، شستشوی گناهان، مغفرت و آمرزش الهی و توجه به دعا و درخواست آمرزش با عبارات قرآنی ، ادعیه و اشعار عرفانی قابل استنباط است.

گروه دوم: قالی‌های محرابی قندیل‌دار

قالی‌های محرابی قندیل‌دار دارای نقشه‌ای یک طرفه با بهره‌گیری از طرح‌هایی است که در برخی قالی‌های محرابی، شامل طرح قندیلی است که از طاق محراب آویزان شده و تزیین متن با بته و گل‌های شاه عباسی صورت گرفته است.[۵۶]

۴۹- این عبارات، اشاره به مقوله غفلت زدایی نماز و دعوت به پاکسازی و توبه و دوری از گناهان دارد.

۵۰- « بُسْمِ اللهِ الرحمنِ الرَّحیم. نادَ عَلیاً مَظهَرُ الْعَجائبِ تَجِدْهُ عَوْناًلَکَ فی النَّوائبَ لی اِلی اللهِ حاجَتی وَ عِلَّتِه مُعَوَّلی کُلَّما اَمَرْتَهُ وَ رَمَیْتَ مُنْقَضِیَ فی ظِلِ اللهِ وَ یُضْلِلُ اللهُ لی دَعْوَکَ کُلَّ هَم وَ غَم سَیَنْجَلی بِعَظَمَتَکَ یا اللهِ بِنُبُوَّتَکَ یا مُحَمَّدُ بِولایَتِکَ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ اَدْرِکْنی بِحَقِّ لُطفِکَ الْخَفِیِّ اللهُ اَکْبَر اَنَا مِنْ شَرِّ اَعْدائکَ بَرِیٌّ اللهُ صَمَدی مِنْ عِنْدِکَ مَدَدی وَ عَلَیْکَ مُعْتَمَدی بِحَقِّ اَیّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعینُ یا اَبَا الْغَیْثِ اَغِثْنی یا ابا الحَسَنَیْنِ اَدْرِکْنی یا قَهّارُ یا قاهِرَ الْعَدُوِ یا والِیَ الْوَلی یا مَظْهَرَ الْعَجائبِ یا مُرْتَضَی عَلَیَ رَمَیْتَ مَن بَغی عَلَیَّ بِسَهْمِ اللهِ وَ سَیْفِ الْقاتلِ اَفَوْضُ اَمْری اِلی اللهِ اِنَّ اللهَ بَصیرٌ بِالعِبادَ وَ الهُکُم اِلَهٌ واحِدٌ لا اِلهَ اِلاّ هُو الرَّحْمنُ الرَّحیمُ اَدْرِکْنی یا غیاثَ الْمُسْتَغیثینَ یا دَلیلَ الْمُتَحَیِّرینَ یا اَمانَ الْخائفینِ یا مُعینَ الْمُتَوَکِّلینَ یا راحِمَ الْمساکینَ یا الهَ العالَمینَ بِرَحْمَتِکَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِدِنا مُحَمَّد و اَلِه اَجمعینَ وَالْحَمْدُ لله رَبِّ العالَمینَ».

۵۱- مهناز شایسته‌فر، کاربرد مفاهیم مذهبی در خط نگاره‌های قالی صفوی، پیشین، ص ۳۴.

۵۲- تا بکوشد او که نی من خفته ام تیز رو گو پیش ره بگرفته ام
(بهاءالدین خرمشاهی و سیامک مختاری، قرآن و مثنوی، تهران، نشر قطره، چ ۳، ۱۳۸۶، ص ۲۵۰).

۵۳- در حاشیه بزرگ ابیاتی از یک غزل حافظ نقش شده که:
«پدید آمد رسوم بی‌وفایی نماند از کس نشان آشنایی
کسی کو جاهل است اندر تنعم متاع او بود هر دم بهایی
اگر شاعر بگوید شعر چون آبکه دل را زان فزاید روشنایی
خرد و در گوش هوشم دوش می گفتبرو صبری بکن در بینوایی»

۵۴- در حاشیه درونی ابیاتی از چند غزل حافظ آمده است چون:
«ای دل مباش یک دم خالی ز عشق و مستی وانکه برو که رستی از نیستی و هستی
گر جان به تن بینی مشغول کار او شد هر قبله‌ای که بینی بهتر ز خود پرستی
در آستان جانان از آسمان میندیشکز اوج سربلندی افتی به خاک پستی»
(شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان حافظ، پیشین، ص ۳۱۲).

۵۵- در یکی از قسمت‌های حاشیه درونی آمده است:«عاشق شو ار نه روزی کار جهان سرآید ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی» (همان).

۵۶- حسن آذرپاد، فضل الله حشمتی، قالینامه ایران، پیشین،ص ۱۲۰.

Archive of SID
www.SID.ir

قندیل از مهم‌ترین نمادهای به کار رفته در قالی‌های سجاده‌ای می‌باشد که دلیل کارکرد معنوی آن بوده و نشان‌دهنده اهمیت زیاد این نماد در فرهنگ اسلامی است. این نماد برگرفته از آیه ۳۵ سوره نور و نشانی از روشنی و پرتوی نور و ذات خداوند است.[۵۷] رواج استفاده از قندیل در طراحی‌ها پس از بیان تفاسیر این آیه، به وسیله حکیم و مفسر الهی امام محمد غزالی در تفسیر مشکوه الانوار صورت گرفته و کم کم نقش قندیل در سجاده‌هاو طرح محرابی تغییر کرده و چراغ آن شکل چلچراغ به خود گرفته است.[۵۸] شیخ محمد شبستری در تمثیل گلشن راز خود تعبیر و تفسیری زیبا از نور حق دارد.[۵۹]

در بررسی این گروه، دو نمونه یکی از دوره صفویه و یک از دوره قاجاریه، انتخاب شده است که یکی از آن ها همچون گروه اول دارای کتیبه است اما به جهت نقش خاص قندیل جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. این قالی، (تصویر۹) قالیچه‌ای محرابی قندیل‌دار متعلق به اوایل سده هفدهم/ یازدهم و ابعاد ۱۱۹×۱۵۷ است که اینک در موزه توپقاپی سرای در استانبول نگه داری می‌شود. علاوه بر نقش قندیل در متن ، در زیر قاب محراب، از نقش‌های اسلیمی و گل و برگ‌های ختایی نیز استفاده شده است. دربخش بالایی قندیل بزرگتر و در مرکز محراب عبارت «الله» به زیبایی جلوه‌گر بوده و نشان از اصل توحیدگرایی و آن که هستی پرتوی از نور پروردگار است دارد. کتیبه‌های این قالی نسبت به نمونه‌های قبلی کمتر بوده و شامل دو ستاره هشت پر با همان عبارات در گوشه‌های بالای حاشیه بزرگ به خط کوفی معقلی؛ آیت‌الکرسی در حاشیه درونی و دعا و صلوات در چهارده معصوم(ع) در حاشیه بیرونی است. اما در نمونه دوم این گروه (تصویر۱۰) که متعلق به سده نوزدهم/سیزدهم می‌باشد، علاوه بر قندیل، طرح گلدان نیز دیده می‌شود. همان طور که پیشتر اشاره شد، در قالی‌های محرابی، نقش‌های قندیل، ستون، سرستون، گل و گلدان نیز وجود دارد که در این نمونه به خوبی نمایان است. در این قالی که دارای رج شماری بالا و ظریف است. عبارات مذهبی دیده نمی‌شود، به علاوه کل قالی با نقش‌های اسلیمی و ختایی پر شده و متن اصلی قالی نیز ساده بوده، طراح به نقش قندیل زیبایی که از سقف آویزان شده و گلدان گل زیبا در پایین اکتفا کرده است. این قاب محرابی زیبا، بیشتر انسان را به یاد طاق‌ها و ستون‌های مساجد، نقش و نگار آن ها ، گل و بوته‌های کاشی‌ها و جلوه های زیبایی از طبیعت می اندازد. ذهن هنرمند ایرانی که سر تعظیم و تسلیم در برابر خالق مطلق نشان می‌دهند و انسان را در تسبیح گویی و سجده در برابر خداوند همراهی می‌نماید، چه سهراب سپهری در حضور حاضر و ناظر هستی، خداوند، در پی تکبیره الاحرام علف و قد قامت موج، نماز به پا می‌دارد.[۶۰] از جمله ویژگی دیگر این قالی ابعاد آن است که به نظر می‌آید بزرگتر از ابعاد قالیچه‌های سجاده‌ای باشد.

گروه سوم: قالی‌های محرابی درختی

محرابی درختی، طرحی در ردیف نقشه‌بندی محرابی گلدانی، با بته‌ای به شکل سرو در مرکز محراب است. شواهد حاکی از آن است که در طراحی این منظره، باغ بهشت مد نظر بوده، چرا که در چنین طرحی، برکه آب و میوه‌های بهشتی هم مشاهده می‌شود.[۶۱] نماد درخت از جمله نقوش قدیمی و باستانی است که در آثار هنری بشر مورد توجه قرار گرفته است و معروف‌ترین آن درخت زندگی یا سرو[۶۲] است. سرو همیشه به درخت سبز معروف است؛ سرو راست قامت، مقدس و از دیرباز علامت خاص ایرانیان بوده است. مطابق روایات ایرانی، زرتشت این درخت را از بهشت آورد و در پیش دَر آتشکده کاشت. در شعر و ادب فارسی، صفات بسیاری از قبیل، راستین، بلند، سرفراز، سرکش، تازه، جوان، نوخاسته، سایه دار، پابرجای، پایدار، بوستان، آزادی و ...، برای سرو آمده است. انتساب صفت آزادگی به سرو، یادگار ارتباط آن با ناهید است که در اساطیر و افسانه ها، رمزی از آزادی و آزادگی به شمار می‌رود.[۶۳]

از درخت بارها و بارها در قرآن با نمادهایی چون طوبی یا سدره و طیبه یاد شده است.[۶۴] همچنین در آیه ۳۵ سوره نور، اشاره به تقدس درخت زیتون نیز اشاره دارد.[۶۵] درخت در فرهنگ اسلامی نشانی از مظهر رحمت الهی و روحانی است که زمین را روشن می‌سازد و یا در آیه ۶ سوره الرحمن که اشاره به تسبیح گویی و سجده گیاهان و درختان در برابر خداوند دارد.[۶۶] درخت، هم به جهت پیوند میان زمین و آسمان و هم از جنبه زندگی بخش بودن و باروری نیز تقدیس می‌شود.درختان مقدس به سبب قدرت حیات و کیفیت تجدید هر ساله مظهر کیهان به شمار رفته و نقش درخت، به

۵۷- آیه ۳۵ سوره نور، «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»، « خداوند، نور آسمان ها و زمین است . مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد. آن چراغ در میان شیشه ای و آن شیشه همچون ستاره ای تابان و درخشان . این چراغ از روغن درخت پر برکت زیتون بر افروخته است ، که نه شرقی است و نه غربی . (روغنش به قدری صاف و شفّاف است) که بدون تماس آتش نزدیک است (شعله ور شود و) روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را که خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می کند، و خداوند برای مردم مثل‌ها می زند و به هر چیزی آگاه است» (تفسیر نور ، ۱۰:۳۰، ۸۸/۴/۳۰ ، http://www. qaraati.net/tafsir).

۵۸- احمد دانشگر، فرهنگ جامع قالی، یادواره دانشنامه ایران، تهران، نشر دلشاد، ۱۳۶، ص ۳۶۵.

۵۹-اگر خورشید بر یک حال بودی شعاع او به یک منوال بودی
جهان جمله فروغ نور حق دان حق اندر وی ز پیدائیست پنهان
چو نور حق ندار نقل و تحویل نیاید اندر و تغییر و تبدیل
(شیخ محمد شبستری، گلشن راز، تهران، انتشارات صفی علیشاه، چ ۲، ۱۳۸۱، ص ۱۲).

۶۰- من مسلمانم
قبله ام یک گل سرخ
جانمازم چشمه، مهرم نور
دشت سجاده من
من نمازم را وقتی می‌خوانم
که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو
من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می‌خوانم
پی قدقامت موج
کعبه ام بر لب آب
کعبه ام مثل نسیم می‌رود باغ به باغ می‌رود شهر به شهر(سهراب سپهری، هشت کتاب، صدای پای آب، تهران، طهوری، چ ۳، ۱۳۸۰، صص ۲۷۳-۲۷۲).

۶۱- حسین یاوری، مبانی شناخت قالی ایران، پیشین، ص ۸۱.

۶۲- شکل درخت زندگی در دوره اسلامی و براساس جهانبینی آن تعدیل شده و در آثار هنری مطابق با مفهوم درخت طوبی ظهور پیدا کرده است. در فرهنگ اسلامی از درخت یا سدره المنتهی، به مثابه درختی بهشتی یاد می‌شود. در قرآن کریم این درخت را منشاء برکت و روزی بهشتیان دانسته است. (محمد خزایی، نقش نمادین طاووس در هنرهای تزیینی ایران، کتاب ماه هنر، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ش ۱۱۲-۱۱۱، ۱۳۸۶، صص ۱۰-۹-۱۲/۹-۶)

۶۳- محمد جعفر یاحقی، فرهنگ اساطیر و داستان واره ها، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶، ص ۴۶۲-۴۵۹.

۶۴- آیات ۱۴ تا ۱۶ سوره نجم «عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى»، «نزد سدرة المنتهی که بهشت امن نزد آن است آنگاه که سدرین را می‌پوشید آنچه می‌پوشید »

۶۵- ابوعلی سینا درخت زیتون را کنایه از اندیشه دانسته، چرا که استعداد این را دارد که به ذات خود، اما پس از تکاپوی فراوان و رنج بسیار، قابلیت پذیرش نور را حاصل کند و قابل النور گردد (فریناز فربود و محمود طاووسی، بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران، فصلنامه مدرس هنر، دانشگاه تربیت مدرس، دوره اول، ش ۲، ۱۳۸۱، ص ۵۱.

۶۶- آیه ۶ سوره الرحمن،« وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ »، «و گیاه و درخت (برای او) سجده می‌کنند» و ر.ک به: جمال الدین تومانج نیا، محمود طاووسی، نقش درخت زندگی در قالی‌های ترکمنی، نشریه گلجام، ش ۴ و ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۴.

Archive of SID
www.SID.ir

۳- قالیچه محرابی کاشان، آیات ۲۵۵، ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره، ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء، ذکر سجده، ۱۰۴۲/۱۶۲۳، موزه توپقاپی سرای.

٤- قالیچه محرابی تبریز، آیت الکرسی، ٤٠ و ٤١ سوره ابراهیم، صلوات بر چهارده معصوم (ع)، ذکر سجده، سده هفدهم/یازدهم، موزه فرش ایران.

٥- قالیچه محرابی، دوره صفوی، آیت الکرسی، عبارات "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم"، "صدق الله الکریم" عجلو بالصلوه قبل الموت و عجلو بالتوبه قبل الموت، دعای نادعلی، اسماءالله، موزه فرش ایران.

٦- قالیچه جانمازی اصفهان، عبارت "شهادتین"، عجلو بالصلوه قبل الموت و عجلو بالتوبه قبل الموت، اوایل سده هفدهم/یازدهم، موزه فرش ایران.

www.SID.ir

تصویر۷- قالیچه محرابی با خط کوفی، دوره صفوی، عبارت "شهادتین"عجلو بالصلوه قبل الموت و عجلو بالتوبه قبل الموت، موزه فرش ایران.

تصویر۸- قالیچه محرابی کاشان، منتخب غزلیات حافظ، سده نوزدهم/سیزدهم، موزه‌متروپولیتن.

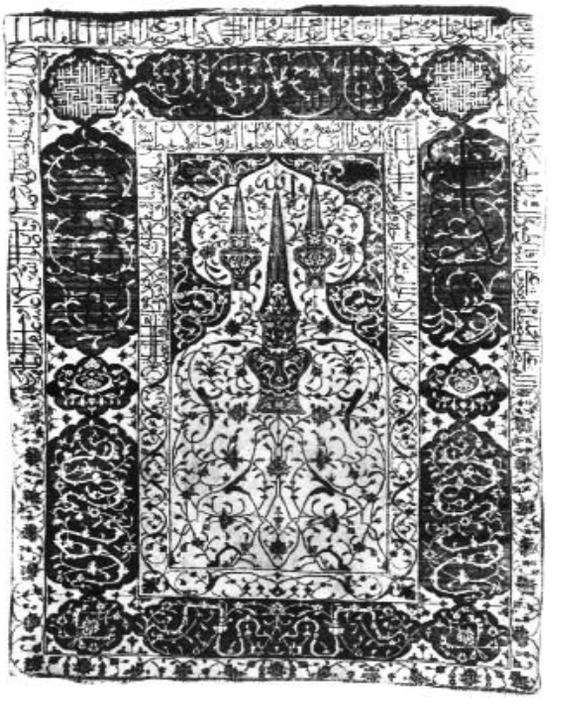

تصویر۹- قالیچه محرابی قندیل‌دار، آیت الکرسی، صلوات بر چهارده معصوم (ع)، عبارت شهادتین، سده هفدهم/یازدهم، موزه توپقاپی‌سرای.

تصویر۱۰- قالی محرابی گلدانی قندیل‌دار، نقش قندیل در طرح گلدانی، سده نوزدهم/سیزدهم.

www.SID.ir

تصویر۱۱- قالیچه محرابی درختی، آیت الکرسی ، ۸۳ و ۸٤ سوره انعام ، اسماء الهی ، سده هفدهم/یازدهم، موزه دولتی ترکیه.

منزله ستونی کیهانی، در ستون‌ها و محراب‌ها، که به نقش درخت و گل آراسته است، نشانه تقدس آن ها ست.[۶۷] با توجه به این مباحث، نماد سرو یا درخت زندگی که سابقه طولانی از دوران باستان تا حال را دارد، در قالی‌ها و دیگر هنرهای دستی مورد استفاده بوده است. این نماد در دوره اسلامی با موضوعات دیگر مذهبی همراه بوده که شاید یکی از دلایل استفاده آن در قالی‌های سجاده‌ای باشد.[۶۸] در این گروه ۲ نمونه، دارای مشخصات قالی‌های محرابی با نقش سرو انتخاب شده است.

اولین نمونه این گروه، (تصویر ۱۱) قالیچه‌ای محرابی درختی، متعلق به سده هفدهم/یازدهم و بافت شمال غرب ایران است که اینک در موزه دولتی ترکیه نگه داری می‌شود. (تصویر ۱۰) این قالی نیز همچون نمونه‌های گروه اول دارای کتیبه‌های مشابه در حاشیه، متن و محراب است. با این تفاوت که نقش درختان و شاخ و برگ آن ها در بخش پایین متن قالی به صورت قرینه، آن را متمایز کرده و جلوه‌ای از فضای باغ و درختان پر گل آن دارد. چرا که استفاده از نقش درختان بی‌ارتباط با باغ‌های بهشتی نیست که وعده آن را خداوند در قرآن، بارها و بارها، به بندگان نیک داده و نشانی از مغفرت و آمرزش الهی است.[۶۹]

در تعابیر ادبیات، عرفان و انعکاس آن ها در معماری؛ باغ‌های ایرانی، مجرایی به درونی ترین لایه اندیشه و خیال و تعبیری حکیمانه از جهان بینی ایرانی قلمداد می‌شوند. در جهان بینی اسلامی، طبیعت مرتبه ای از سلسله مراتب کلی وجود است و سیر در آن، مرحله ای از سلوک در راه معرفت است. کلمه «بهشت» یا «وهشت» به معنای بهترین زندگی است که به صورت باغی سرسبز، خرم و زیبا مجسم می‌شده است.[۷۰]

طرح باغی به عنوان تجلی بهشت نمودی از آرامش مادی قابل تصور برای انسان‌ها را مشخص می‌کند که در این قالی ها، گل‌ها و درخت ها و حیوانات و جوی‌های آب، همه تجلی الطاف الهی هستند و در نظر انسان عارف و متفکر اسلامی، طبیعت است که تجلی گاه صفات و ذات حقیقت است. با این وصف کمتر چیزی است که بتواند زودتر از درخت اندیشه کمال را به ذهن آورد، زیرا درخت برای نیل به کمال رشد، امکان مکانی و زمانی داشته است و یکی از اصلی ترین نقوش قالی و مفهوم بهشت می‌باشد.[۷۱] تفاوت دیگر این قالی استفاده از آیات ۸۳ و ۸۴ سوره انعام در حاشیه بیرونی قالیچه است که به توحید و دوری از شرک اشاره دارد.[۷۲] اما دومین نمونه این گروه (تصویر۱۲) قالیچه‌ای با طرح محرابی سروی، بافت تبریز و متعلق به موزه فرش ایران است که تفاوت‌های بسیاری با دیگر قالی‌های مورد بحث دارد. یکی از تفاوت‌های عمده آن تلفیق طرح محرابی و محرمات[۷۳] در این قالی است. در متن قالی، قابی محرابی با نقش درخت سرو که در میان آن و مرکز محراب قندیلی بزرگ آویخته شده و در بیرون قاب محرابی دو درخت قرینه که شاخ و برگ‌های آن ها این قاب را احاطه کرده‌اند، دیده می‌شود.

تصویر۱۲- قالیچه محرابی سروی، طرح محرابی- محرمات ، نقش قندیل و درخت سرو، موزه فرش ایران.

۶۷- نیر طهوری، جستجوی مفاهیم نمادین در کاشی‌های زرین فام، فصلنامه خیال، ش ۱، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳.

۶۸- حسن قاسمی‌نژاد راینی، پژوهشی در سجاده‌ها و قالی‌های سجاده‌ای دوره اسلامی، پیشین، ص ۴۸۶.

۶۹- آیه ۱۲ سوره صف، « يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»، « خداوند گناهان شما را می‌آمرزد و به باغ‌هایی که نهرها از زیر آن ها جاری است و خانه‌های دل پسند در بهشت‌های جاودان واردتان می‌کند. این رستگاری بزرگی است». (تفسیر نور ، ۱۰:۳۰، ۸۸/۴/۳۰، http://www.qaraati.net/tafsir).

۷۰- محمد کریم پیرنیا، باغ‌های ایرانی (گفتگوی فرهاد ابوالضیاء با محمد کریم پیرنیا)، نشریه آبادی، سال چهارم، ش پانزدهم، زمستان، ۱۳۷۳، ص ۵.

۷۱- علی وند شعاری و احمد نادعلیان، تجلی عرفان در قالی صفوی، نشریه نگره، سال دوم، ش ۲و۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۵۷-۵۶.

۷۲- آیات ۸۳ و۸۴ سوره انعام، « وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاء إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ، وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ كُلاًّ هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»، « این (نوع استدلال) حجّت ماست که در برابر قومش به ابراهیم دادیم ، هر کس را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) به درجاتی بالا می بریم . همانا پروردگارت حکیم و داناست (و بر اساس علم و حکمت مقام انسان ها را بالا می برد)، و ما به او (ابراهیم)، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم و از نسل او (ابراهیم)، داود، سلیمان، ایّوب، یوسف، موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) و ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم»، این آیه درباره حضرت علی (ع) نازل شده که لحظه ای در طول زندگی به سراغ شرک نرفت. (تفسیر نور ، ۱۰:۳۰، ۸۸/۴/۳۰، http://www.qaraati.net/tafsir).

۷۳- محرمات، طرحی راه راه است که بر اساس آن، متن قالی در عرض به چند بخش موازی هم تقسیم می‌شود. هر یک از این خط‌ها به صورت نوار کم و بیش پهن و دارای رنگ‌های گوناگون است. نوارها ، گاه همچون خطی یکدست و گاه از مجموعه‌ای از شکل‌های هندسی تشکیل می‌شود و هر بخش نیز رنگ و نقش ویژه خود را دارد که تکرار می‌شود. گاهی نیز ترنجی در وسط قالی نقش می‌شود که خط یا خط‌های راه راه را قطع می‌کند. (فضل الله حشمتی، حسن آذرپاد، قالینامه ایران، پیشین، ص ۱۲۰)

www.SID.ir

تلفیق نمادهای درخت سرو، قندیل و محراب و نقش محرمات در اطراف آن ها ، که همگی دارای ویژگی‌ها و مفاهیم مذهبی هستند، جلوه‌ای زیبا به قالی داده و می‌توان آن را در زمره قالی‌های باارزش محرابی قرار داد. هر چند عبارات مذهبی و کتیبه ندارد. از جمله مفاهیم ارزنده نماز که در قالی‌های این گروه با استفاده از تعابیر مذهبی، ادبی و عرفانی، مد نظر قرار گرفته، اصل و اساس نماز، یعنی ذکر و یادخدا و توحید و دوری از شرک و گناه، مغفرت و آمرزش الهی و تسبیح گویی تمایی اجزاء آفرینش در برابر خداوند است.

گروه چهارم: قالی‌های محرابی گلدانی

آخرین گروه، قالی‌های محرابی گلدانی، طرحی با گونه‌های متنوع تزیینی، که در همه آن ها دو نقش تکرار می‌شود: محراب و گلدان. در یکی از این گونه‌ها، نگاره ی محراب را می‌توان دید که نقشی از طره، آن را در برگرفته است، با نگاره‌ای از سرو در میان محراب، که گلدانی پر از گل در درون خود دارد، و بالای سرو نیز، به طور معمول نقشی از قندیل دیده می‌شود. گونه ی دیگر آن طرحی است تشکیل شده از نقش گلدانی بزرگ که از بالا به محراب می‌پیوندد. پیرامون گلدان بزرگ را نگاره‌هایی با نقش‌های اسلیمی و گل‌های شاه عباسی فرا گرفته است.[۷۴]

این گروه نیز همچون طرح‌های درختی، توجه انسان را به طبیعت خداوند و بهشت زیبای او معطوف می‌دارد که گل‌ها و گیاهان نیز تسبیح گوی خداوند و نعمات او هستند. در این گروه ۳ نمونه ارزشمند، یکی از دوران صفوی و دو نمونه دیگر از قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از آن ها قالیچه‌ای محرابی گلدانی متعلق به دوره صفوی و سده هفدهم/یازدهم است (تصویر۱۳) که اینک در موزه توپقاپی سرای نگه داری می‌شود و به قالیچه سجاده‌ای سالتینگ شهرت دارد.[۷۵] این قالیچه نیز مشابه نمونه‌های گروه اول بوده و دارای کتیبه‌هایی در حاشیه‌ها، متن و نوار محراب است. در حاشیه بیرونی، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نمل[۷۶] اشاره به دوری از تکبر و برتری جویی و زمینه تسلیم حق شدن[۷۷] داشته و آیه ۸۳ سوره انعام و عبارت «الشکر تدوم النعم و الحمد الله رب العالمین» نقش شده است. همچنین در حاشیه درونی نیز آیه ۳۵ سوره نور تا نیمه به چشم می‌خورد. تمامی آیات اشاره به اصل اساسی نماز، توحیدگرایی و دوری از شرک پرستی دارند.یکی از جلوه‌های زیبا در این قالی، کتیبه زیبا و بزرگ «الله اکبر کبیرا» در محل سجده‌گاه محراب و بالای طرح گلدانی است که شاخ و برگ‌های درختان و گل‌ها، این کتیبه را در بر گرفته‌اند. این نقوش به خوبی سجده بر یگانگی خداوند را نشان می‌دهند. این قالیچه شباهت بسیاری با نمونه قبلی دارد با این تفاوت که در این قالیچه، گلدانی زیبا در مرکز قالی خودنمایی می‌کند.

برخلاف این قالیچه، نمونه دوم این گروه (تصویر۱۴) قالیی محرابی گلدانی متعلق به سده نوزدهم/ سیزدهم و بافت کاشان، کتیبه ندارد و طرح این قالی به صورت نقوش شکسته درآمده و دارای گلدانی بزرگ ، با شاخ و برگ‌های گسترده و پیچان، در متن قالی و نقوش اسلیمی و ختایی در حاشیه قالی می‌باشد. در خصوص نقوش این قالی می‌توان اشاره به مبحث «وحدت در کثرت» و «کثرت در وحدت» که تفسیر نقوش و پیچش‌های اسلیمی است، داشت که انسان را به ذات مقدس الهی مقرب می‌گرداند.[۷۸] آخرین نمونه مورد بررسی، قالیی محرابی –گلدانی، بافت تبریز به ابعاد ۱/۲۲×۱/۶۵ متر و متعلق به اواخر سده نوزدهم/سیزدهم است. در این نمونه اگرچه از آیات و عبارات مقدس خبری نیست و همچون نمونه قبلی تمامی زمینه قالی ، حاشیه‌هاو متن، از گل و گیاه پوشیده است. حاشیه پهن بوسیله نقوش شکسته گیاهی و متن اصلی قالی نیز دارای گلدانی گل بزرگ با پیچش گل‌های بسیار در آن است. حاشیه‌های باریک نیز بوسیله تک نقش‌مایه‌هاو پیچش ساقه‌های باریک گیاهی پر شده است. (تصویر۱۵) طرح‌های این قالی، یکی از ترکیب‌های مهم قالی‌های سجادهای ایرانی در این دوره به شمار می‌رود. همان طور که پیشتر نیز اشاره شد، طبیعت بیکران الهی، گل‌ها و گیاهان، پیچش ساقه‌های اسلیمی و گیاهی، توجه انسان ها را به زیبایی‌های بیکران خالق هستی رهنمون می‌کند و نگاهی عمیق به این همه شگفتی طبیعت، انسان را در برابر عظمت الهی قرار داده و یگانگی خداوند را مکرراً گوشزد می‌نماید. همچنین نظمی که در ترکیب این گل‌ها و گیاهان و آفرینش هستی و ترتیب قرارگیری آن ها وجود دارد، بی‌شک روح انضباط و نظم را که یکی از مفاهیم اصلی نماز است به یاد می‌آورد. قرارگیری در دل طبیعت بی کران خداوند، روح انسان، پالایش نموده و او را به سوی کمال و بالاترین مرتبه انسانی راهنمایی می‌نماید.

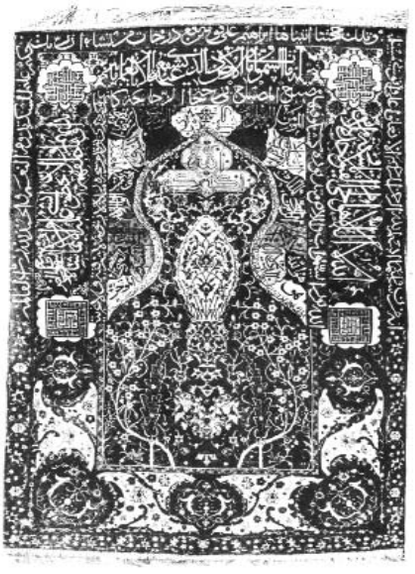

تصویر۱۳- قالیچه محرابی گلدانی، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نمل، ۸۳ سوره انعام، ۳۵ سوره نور، عبارات "الله اکبر"، و "الشکر تدوم النعم والحمد الله رب العالمین" سده هفدهم/یازدهم، موزه توپقاپی‌سرای.

۷۴- فضل الله حشمتی، حسن آذرپاد، قالینامه ایران، پیشین، ص ۱۲۰

۷۵- قالی‌های این موزه پس از این که جرج سالتینگ (۱۹۰۹-۱۸۳۵/۱۳۲۷-۱۲۵۱) نمونه‌ای از آن را به موزه ویکتوریا آلبرت اهدا کرد. به نام او خوانده شد. (موری، لی، قالی‌های سالتینگ، ترجمه مژگان محمدیان نمینی، کتاب ماه هنر، ش ۱۳ و ۱۴، ویژه نامه قالی، ۱۳۷۹، ص ۶۶. (صص ۷۱-۶۶)

۷۶- آیات ۳۰و۳۱ سوره نمل، « إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بسم الله الرحمن الرحيم، أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ»، « نامه از سلیمان است و (مضمون آن) این است : به نام خداوند بخشنده مهربان، بر من برتری نجویید. نزد من آیید و تسلیم (حق ً) باشید». (تفسیر نور ، ۳۰ً:۱۰، ۸۸/۴/۳۰، http://www.qaraati.net/tafsir).

۷۷- سهراب سپهری در شعر صدای پای آب دل را در پی آواز حقیقت می‌خواند:

کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ
کار ما شاید این است
که در افسون گل سرخ شناور باشیم
کار ما شاید این است
که میان گل نیلوفر و قرن
پی آواز حقیقت بدویم (سهراب سپهری، هشت کتاب، پیشین، صص ۲۹۹-۲۹۸).

۷۸- در طراحی قالی، اسلیمی‌ها، در تبیین مفهوم عرفانی از کثرت به وحدت و شکل گیری شمسه نقش اساسی دارند. اسلیمی با پیچش خاص خود، همه حرکت‌ها و جهت‌ها را به نقطه‌ای واحد که نمادی از توحید است، سوق می‌دهد. (امیرحسین چیت سازان، نمادگرایی و تأثیر آن در قالی ایران، تهران، فصلنامه گلجام، ش ۵ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص۴۲)

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر۱۴- قالی محرابی گلدانی، طرح گلدان با نقوش اسلیمی و ختایی، سده نوزدهم/سیزدهم، موزه فرش ایران.

تصویر۱۵- قالی محرابی-گلدانی، نقوش شکسته اسلیمی و ختایی، سده نوزدهم/سیزدهم.

www.SID.ir

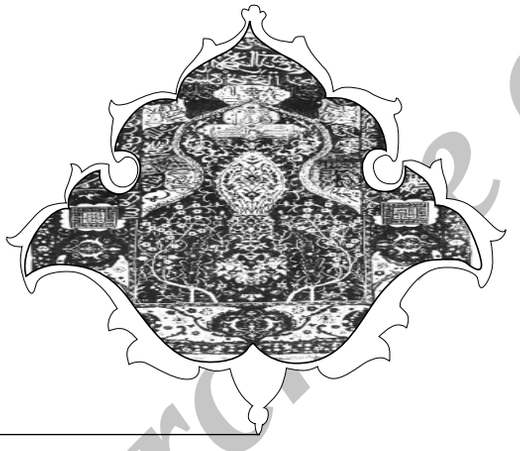

نتیجه‌گیری

توجه به مقوله نماز به عنوان ستون دین اسلام و سعی در برگزاری هر چه بهتر و روحانی تر آن، از سده‌های اولیه اسلام در هنرهای مختلفی از جمله معماری و هنر قالی‌بافی نمود کرده و باعث تولید نوعی از قالی در ایران به نام «قالی‌های سجاده‌ای» با طرح‌های محرابی برگرفته از محراب مساجد، شده است. اصلی‌ترین بخش در طراحی این گونه قالی‌ها، طرح محرابی آن است. نقوش کتیبه‌های قرآنی، اسماء الهی، درخت سرو، ستون، سرستون، قندیل و گلدان از تزیینات این گونه قالی های محرابی است. کتیبه‌هاو عبارت‌های قرآنی مورد استفاده، اغلب اشاره به مفاهیم حکمت و فلسفه نماز، اهمیت نماز، توحید و وحدانیت خداوند، وعده بهشت به بندگان نیک، خضوع و خشوع در برابر پروردگار و آداب تلاوت قرآن و اوقات نمازاشاره دارد. این خط نگاره ها اکثراً در حاشیه قالی‌ها نگارش یافته و اسماء الهی در بالای محراب و مکان سجده‌گاه نوشته شده است. نقش چراغدان یا قندیل به عنوان هدایت‌کننده انسان، نقوش گل ، گیاه و درختان ، اشاره به سجده تمامی عناصر طبیعت در برابر پروردگار و نمادی از بهشت و جنت الهی از نقوش دیگری هستند که در این گونه قالی ها انعکاس داشته اند. طبیعی که خود، یادخدا، روح انضباط و نظم آفرینش هستی، استقامت و بردباری، روح اخلاص و پاکسازی نفس و در نهایت تکامل هستی و بالاترین مرتبه انسانی رایادآور می کند، همگی بخشی از ارزنده ترین مفاهیم اصلی نماز و عبادت خالص هستی است.

Archive of SID
www.SID.ir

گروه‌ها	کتیبه‌ها	نقوش	معانی و مفاهیم	محل و زمان بافت	محل نگه داری	نمونه
قالی‌های محرابی کتیبه‌دار	آیات ۲۵۵ و ۲۸۶- ۲۸۵ سوره بقره آیات ۸۱-۷۸ سوره اسراء آیات ٤١-٤٠ سوره ابراهیم آیات ۲۰۵-۲۰۳ سوره اعراف آیه ۲۲ سوره حشر دعای صلوات چهارده معصوم، ذکر سجده دعای نادعلی و شهادتین اسماءالهی ابیاتی از غزلیات حافظ	پیچش‌های نقوش اسلیمی و ختایی نقوش شکسته و گل و بوته‌های گیاهان	توحید، معاد، نبوت، فضیلت و زمان برپایی نماز اهمیت اقامه نماز آداب تلاوت قرآن اهمیت دعا بعد از نماز دوری از خودپسندی، تواضع و خشوع و طریق عشق الهی	۱۰۱٦/۱٦۷۰ کاشان، سده نوزدهم/سیزدهم	موزه متروپولیتن، نیویورک موزه متروپولیتن، نیویورک	
قالی‌های محرابی قندیل دار	آیه ۳۵سوره نور آیت الکرسی، دعاو صلوات چهارده معصوم اسماءالهی	نقش قندیل، اسلیمی و ختایی، گل و بوته	روشنی و نور ذاتی خداوند، توحید و یگانگی خداوند توجه به دعا	سده هفدهم/ یازدهم	موزه توپقاپی سرای استانبول	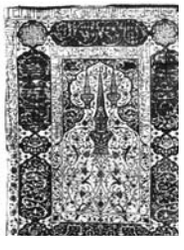
قالی‌های محرابی درختی	آیات ٨٤-٨٣ سوره انعام، اسماءالهی	درخت سرو، طاووس، اسلیمی و ختایی، طرح محرمات	توحید، دوری از شرک درخت زندگی، مظهر کیهان، باغ بهشت و شگفتی‌های آفرینش	تبریز	موزه فرش ایران	
قالی‌های محرابی گلدانی	آیات ۳۱-۳۰ سوره نمل آیه ۸۳ سوره انعام آیه ۳۵ سوره نور	گلدان، گل و گیاه، نقوش شکسته اسلیمی و ختایی	دوری از تکبر و برتری جویی، توحید و دوری از شرک، نور و روشنی ذات خدا، تسبیح گیاهان وحدت در کثرت و کثرت در وحدت در ذات الهی	تبریز سده نوزدهم/ سیزدهم	----	

Archive of SID

www.SID.ir

شرح تصاویر

۱- قالیچه محرابی زربفت، آیات ۲۵۵ ،۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره ، ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء، ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم، عبارت شهادتین و اسماء الهی، سده شانزدهم/دهم، مجموعه خانم پاراوینچی، منبع ش ۲۴، ص ۱۹.
۲- قالیچه محرابی زربفت، آیات ۲۵۵ ،۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره ، ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء، ۲۰۳ تا ۲۰۵ سوره اعراف، ۲۲ سوره حشر، عبارت شهادتین و اسماء الهی، ۱۰۱۶/۱۶۷۰، موزه متروپولیتن، منبع ش ۸، ص ۲۳۴.
۳- قالیچه محرابی کاشان، آیات ۲۵۵ ،۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره ، ۷۸ تا ۸۱ سوره اسراء، ذکر سجده، ۱۰۴۲/۱۶۲۳، موزه توپقاپی سرای، منبع ش ۲۴، ص ۲۰۹.
۴- قالیچه محرابی تبریز، آیت الکرسی، ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم، صلوات بر چهارده معصوم (ع)، ذکر سجده، سده هفدهم/یازدهم، موزه فرش ایران، منبع ش ۴۱ ، ص ۹۹.
۵- قالیچه محرابی، دوره صفوی، آیت الکرسی، عبارات "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم"، "صدق الله الکریم" عجلو بالصلوه قبل الموت و عجلو بالتوبه قبل الموت ، دعای نادعلی، اسماءالله، موزه فرش ایران، منبع ش ۲۲ ، ص ۳۷.
۶- قالیچه جانمازی اصفهان، عبارت "شهادتین"، عجلو بالصلوه قبل الموت و عجلو بالتوبه قبل الموت ، اوایل سده هفدهم/یازدهم، موزه فرش ایران، منبع ش ۳۰، ص۱۸۱.
۷- قالیچه محرابی با خط کوفی، دوره صفوی، عبارت "شهادتین"عجلو بالصلوه قبل الموت و عجلو بالتوبه قبل الموت ، موزه فرش ایران، منبع ش ۴۳، ص ۲۱۵.
۸- قالیچه محرابی کاشان، منتخب غزلیات حافظ، سده نوزدهم/سیزدهم، موزه متروپولیتن، منبع ش ۳۵، ص ۱۱۹.
۹- قالیچه محرابی قندیل‌دار، آیت الکرسی، صلوات بر چهارده معصوم (ع)، عبارت شهادتین، سده هفدهم/یازدهم، موزه توپقاپی‌سرای، منبع ش ۲۲، ص ۳۵.
۱۰- قالی محرابی گلدانی قندیل‌دار، نقش قندیل در طرح گلدانی، سده نوزدهم/سیزدهم، منبع ش ۲۹، ص ۵۶۰
۱۱- قالیچه محرابی درختی، آیت الکرسی ، ۸۳ و ۸۴ سوره انعام ، اسماء الهی ، سده هفدهم/یازدهم، موزه دولتی ترکیه، منبع ش ۲۴، ص ۱۱۵.
۱۲- قالیچه محرابی سروی، طرح محرابی- محرمات ، نقش قندیل و درخت سرو، موزه فرش ایران، منبع ش ۳۹، ص ۱۰۰.
۱۳- قالیچه محرابی گلدانی، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نمل، ۸۳ سوره انعام، ۳۵ سوره نور، عبارات "الله اکبر"، و "الشکر تدوم النعم والحمد الله رب العالمین" سده هفدهم/یازدهم، موزه توپقاپی‌سرا، منبع ش ۲۴، ص ۱۱۵،۰
۱۴- قالی محرابی گلدانی، طرح گلدان با نقوش اسلیمی و ختایی ، سده نوزدهم/سیزدهم، موزه فرش ایران، منبع ش ۲۹، ص ۵۶۲.
۱۵- قالی محرابی-گلدانی، نقوش شکسته اسلیمی و ختایی، سده نوزدهم/سیزدهم، منبع ۴۲،ص ۱۸۹.

منابع

۱- آذرپاد، حسن و حشمتی، فضل الله ، فرشنامه ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۲- ابراهیمی، مرتضی ، نماز، نماد رابطه علم و دین، (نماز و دانشگاه) مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، تهران، گردآوردنده: دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، ستاد و اقامه نماز، ۱۳۸۰، صص ۶۴-۴۷.
۳- احمدی زاویه، سید سعید ، بررسی و تحلیل روابط ساختاری و محتوایی قالی و شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، ۱۳۷۴.
۴- افروز ،غلامعلی، نماز، کامل‌ترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان، مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۰، صص ۱۰۲-۹۳.
۵- امیرالمؤمنین علی (ع)، نهج البلاغه، تهران، انتشارت فقیه، ۱۳۵۱.
۶- بابایی، اصغر ، نقش نماز (سجده)، در بازسازی معنوی دانشجویان، مجموعه مقالات برگزیده اجلاس سراسری نماز، پیشین، صص ۱۲۹-۱۰۳
۷- بیضایی، طیبه ، گوشه‌هایی از تجلی نماز در ادبیات فارسی، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۸.
۸- پوپ، آرتور آپهام، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۸۰.
۹- پیرنیا، محمد کریم ، باغ‌های ایرانی (گفتگوی فرهاد ابوالضیاء با محمد کریم پیرنیا)، نشریه آبادی، سال چهارم، ش پانزدهم، زمستان، ۱۳۷۳،صص ۱۰-۵.
۱۰- توماج نیا، جمال الدین ، محمود طاووسی، نقش درخت زندگی در قالی‌های ترکمنی، نشریه گلجام، ش ۴ و ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص۲۴-۱۱.
۱۱- چیت سازان، امیرحسین ، بررسی عوامل مؤثر بر طراحی قالی کاشان، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی هنر قالی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷، صص ۱۳۴-۱۰۱.
۱۲- چیت سازان، امیرحسین ، نمادگرایی و تأثیر آن در قالی ایران، تهران، فصلنامه گلجام، ش ۵ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص۵۶-۳۷.
۱۳- چیت‌سازان، امیر حسین ، بررسی دلایل تداوم و شکوفایی هنر قالیبافی ایران در دوران اسلامی، اولین همایش هنر اسلامی، به اهتمام محمد خزایی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۱۱۸-۱۰۱.
۱۴- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد ، دیوان حافظ، تهران، انتشارات مهتاب، چ ۳، ۱۳۷۳.
۱۵- حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ج۳، ۱۳۸۴.
۱۶- خرمشاهی، بهاءالدین و مختاری، سیامک ، قرآن و مثنوی، تهران، نشر قطره، چ ۳، ۱۳۸۶.
۱۷- خزایی، محمد ، نقش نمادین طاووس در هنرهای تزیینی ایران، کتاب ماه هنر، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ش ۱۱۲-۱۱۱، ۱۳۸۶، صص ۱۲-۶.
۱۸- دانشگر، احمد ، فرهنگ جامع قالی، یادواره دانشنامه ایران، تهران، نشر دلشاد، ۱۳۶۰.
۱۹- سالاری، محمد ، نماز نماد رابطه علم و دین، مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۰.

Archive of SID
www.SID.ir

۲۰- سپهری، سهراب ، هشت کتاب، صدای پای آب، تهران، طهوری، چ ۳، ۱۳۸۰.
۲۱- سعدی، مصلح الدین ، کلیات سعدی، بوستان، تصحیح محمد علی فروغی، تهران، بهزاد، ۱۳۷۷.
۲۲- شایسته‌فر، مهناز ، کاربرد مفاهیم مذهبی در خط نگاره‌های قالی صفوی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۴، صص ۳۸-۲۵.
۲۳- شبستری، شیخ محمد ، گلشن راز، تهران، انتشارات صفی علیشاه، چ ۲، ۱۳۸۱.
۲۴- صوراسرافیل، شیرین ، قالی ایران، تهران، یساولی، ۱۳۶۶.
۲۵- طهوری، نیر ، جستجوی مفاهیم نمادین در کاشی‌های زرین فام، فصلنامه خیال، ش ۱، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۱.
۲۶- غفاری، محسن ، ارکان اسلام، انتشارات پیام آزادی، تهران، چ اول، ۱۳۷۶.
۲۷- فربود، فریناز و طاووسی، محمود ، بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران، فصلنامه مدرس هنر، دانشگاه تربیت مدرس، دوره اول، ش ۲، ۱۳۸۱، صص ۵۴-۴۳.
۲۸- فریه، ر. دبلیو ، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۷۴.
۲۹- قاسمی نژاد راینی، حسن، پژوهشی در سجاده ها و فرش‌های سجاده ای دوره اسلامی، مجموعه مقالات منتخب همایش تجلی حسن محمدی (ص) در هنر، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، رسالت یعقوبی، ۱۳۸۷، صص ۴۸۷-۴۷۷.
۳۰- قاسمی، مریم، بررسی قالی‌های دوره صفویه (طرح، بافت، موضوع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما:مهناز شایسته فر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۳۱- لی، موری، قالی‌های سالتینگ، ترجمه مژگان محمدیان نمینی، کتاب ماه هنر، ش ۱۳ و ۱۴، ویژه نامه قالی، ۱۳۷۹، صص ۷۱-۶۶.
۳۲- مجلسی، محمد باقر ، حلیه المتقین، تهران، انتشارات جاویدان، بی‌تا.
۳۳- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، محمدحسن اصفهانی، ج۸۲، ۱۳۰۷ق.
۳۴- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، موسسه فرهنگی دارالحدیث، ج۵، ۱۳۷۷،
۳۵- معمارزاده، محمد ، تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی، تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۲۰.
۳۶- منقی، علی به حسام الدین، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، موسسه الرساله، ج۷، ۱۳۷۲.
۳۷- نیرومند، پوراندخت ، آموزش هنر قالی‌بافی، تهران، بازتاب، ۱۳۷۸.
۳۸- وندشعاری، علی ، جایگاه بهشت نماد درخت بر روی چند نمونه از قالی‌های دوره صفویه و قاجاریه، همایش تجلی حسن محمد (ص) در هنر، تبریز، رسالت یعقوبی، ۱۳۸۷، صص ۵۲۴-۵۰۳
۳۹- وندشعاری، علی و نادعلیان، احمد ، تجلی عرفان در قالی صفوی، نشریه نگره، سال دوم، ش ۲و۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۵۷-۵۶.
۴۰- یاحقی، محمد جعفر ، فرهنگ اساطیر و داستان واره ها، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶.
۴۱- یاوری، حسین ، مبانی شناخت قالی ایران، تهران، نشر رجاء و ماهنامه قالی ایران، ۱۳۸۴.
42-Essie Sakhai, *Persian Rugs and Carpets* , London, 62 piccadilly, may fair, 2008.
43-سVolkmar Gantzhern, *Oriental Carpets*, köln, Taschen,1998.

سایت‌ها:

44-http://www.aviny.com/Ahkam/ResalehImam
45-http://www.qaraati.net/tafsir

Archive of SID

www.SID.ir